



اسم کتاب: آموزش مهارت تدریس
در دوره پیش از دبستان

فصل چهارم: شناخت ژان ژاک روسو
و یوهان هاینریش پستالوزی

مؤلف: دکتر فرخنده مفیدی

نام استاد: خانم مرادعلیان

نام دانشگاه: زینب کبرا 

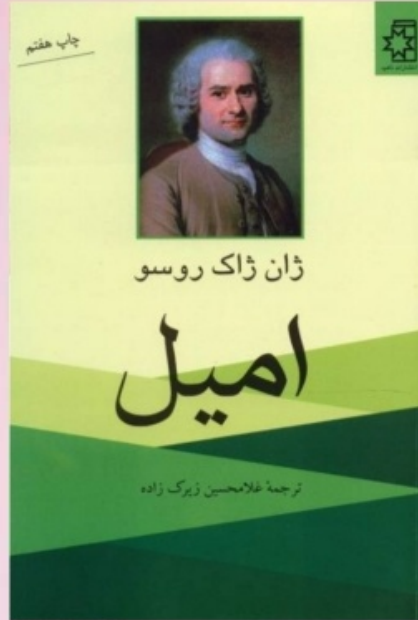
نام رشته: تربیت کودک 

تهیه کننده: نسترن خضریان 

ژان ژاک روسو:

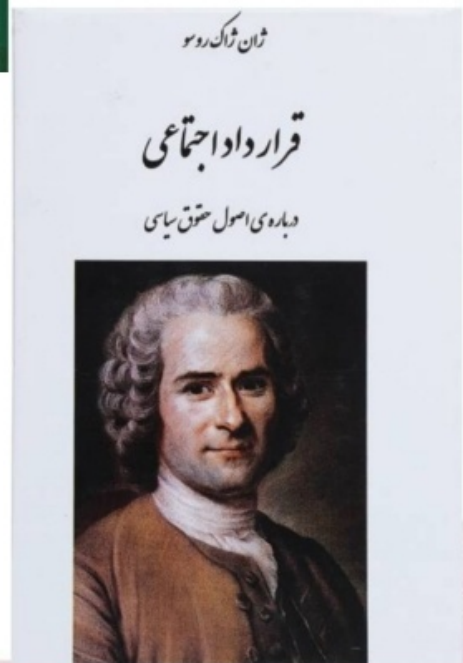
در ۲۸ ژوئن سال ۱۷۱۲ به دنیا آمد در ۲ ژوئیه ۱۷۷۸ (۶۶ سالگی) به علت سکتة مغزی در پاریس چشم از جهان فرو بست.
در زمان خود فردی منطقی، متعادل، آینده نگر بود ملیت او سوئیسی بود
زمینه کاری او در ادبیات، موسیقی، تربیت، فلسفه سیاست بود.
کتاب مشهور {اعترافات} که شرح زندگی ۶۶ سالگی اوست پس از مرگ او منتشر شد.
روسو در سال ۱۷۵۰ مقاله ای درباره علوم هنر به دلیل جایزه ادبی فرهنگستان دیژن به تحریر درآورد این مقاله حاوی عقاید وحشی گری های اشراف و امتیازات و برتری های انسان غیر متمدن نسبت به انسان های متمدن .
در سال ۱۷۶۲ دو کتاب « امیل » و « قرارداد های اجتماعی » را منتشر کرد.





کتاب قرار داد اجتماعی
سعی داشت تا اساس
حکومت و طرز اداره ملت
بر رضایت و توافق مردم
قرار دهد
به صورت رضایت واقعی
به صورت تلویحی

کتاب امیل درباره
تربیت کودک از بدو
تولد تا بزرگسالی
گنجاینده است



بررسی آراء و عقاید ژان ژاک روسو:

امیل در حقیقت نمایانگر عقاید و نظریات تربیتی رو می باشد در مورد جنبه های مختلف پرورش کودک. آموزش. تغذیه. ارزش شیر مادر. لزوم تغذیه. نقش پدر به عنوان مربی معلم و راهنما و مسائل دیگر است

و طیف وسیعی از جنبه تربیتی آموزشی کودک را از بدو تولد تا بزرگسالی انتخاب شغل حرفه ازدواج در برمیگیرد روسو نیز برای ۵ سال اول زندگی اهمیت ویژه ای قائل است.

امیل شامل ۵ کتاب بدین شرح است:

کتاب اول: پنج سال اولیه زندگی کودک

کتاب دوم: تربیت کودک تا ۱۲ سالگی

کتاب سوم: خصوصیات آغاز نوجوانی از ۱۲ تا ۱۵ سالگی

کتاب چهارم: دوره تکامل عقل و تمایلات از ۱۵ تا ۲۰

کتاب پنجم: تربیت آماده کردن این دوره بعد از ۲۰ سالگی

عقاید روسو از محتوای کتاب امیل یا آموزش

پرورش به صورت خلاصه تشریح گردید :

- توجه به طبیعت کودک

- تاثیر جامعه و اجتماع

- تعلیم و تربیت منفی

- زمان مناسب برای یادگیری

- تنبیه بدنی

- نظریه آزادی تنظیم شده

- تعلیم و تربیت اخلاقی

- نقش مربی

توجه به طبیعت کودک:

{طبیعت به کودکان قبل از اینکه به عنوان یک انسان و بزرگسال بنگرد به چشم یک کودک می نگرد} روسو توجه و کوشش مربی را از مواد درسی موضوعات و مطالب آموختنی به کودک جلب کرد یعنی در درجه اول باید از علوم و دانش بهره مندباشدمی توان او را عامل آموزش پرورش یعنی {کودک مداری و کودک محوری} دانست

روسو معتقد است که کودک طبیعت مخصوص به خود را دارا است و مینیاتور افراد بزرگسال و یا یک بزرگسال کوچک اندام نیست. طبیعت به کودک قبل از بالغ شدن به چشم کودک می نگرد و اگر قرار باشد نظمی را برهم زنیم میوه های پيش رسی خواهیم داشت بی طعم که در خطر فساد قرار می گیرند یعنی عده ای کودکان دانشمند خواهیم داشت که روحشان هنوز کودک است پس باید کودک در کودکی پخته کرد روسو نظریه هایش بر عقاید نظریه پردازان بعدازوی همچون پستالوزی سوئیسی و فروبل آلمانی تاثیر گذاشت .

تأثیر جامعه خانواده و اجتماع:

{هرچیزکه از دست خداوند یا خالق طبیعت بیرون می آید خوب است فقط دست های بشر است که آن را خراب فاسد می سازد} او متعقد است طبیعت انسان را نیک پدید آورده اما این جامعه او را شریر تربیت کرده است طبیعت انسان را ازاد آفریده ولی جامعه او را بنده گردانیده است طبیعت انسان را خوشبخت آفریده ولی جامعه او را بدبخت کرده است از دیدگاه روسو نسبت اجتماع به عالم طبیعت مانند نسبت شر است به خیر . فلسفه طبیعت گرایی : آموزش پرورش باید امکان رشد طبیعی را برای کودک فراهم سازد باید از هرگونه دخالت پرهیز شود طبیعت گران متعقدند که برای تربیت کودک باید او را از محیط خانه و دخالت والدین دور نگه داشت تنها کتاب مورد نظر او {روبینسون کروزوئه} بود که غنی از تجربیات فردی برای کودکان پیشنهاد می شد .

تعلیم تربیت منفی:

جامعه کنونی فاسد است تعلیم و تربیت مثبت که از ان الهام می گیرد که کودک پیش از ان که مصلحت باشد اجتماعی باریاورد و ذهن را قبل از آن که

به سن حد لازم رسیده باشد شکل دهد و کودک را با وظایف انسان بالغ آشنا سازد.

روسو تعلیم تربیت منفی را گاه غیرفعال نامیده است. باید تعلیم و تربیتی را که سعی در پیوستن کودک به زندگی اجتماعی امروز دارد که

که آن تعلیم و تربیت منفی است.

روسوامیل را تحت رژیم تربیتی آموزش خاص خود در آورد و در سایه دوری از اجتماع از آشفستگی های زندگی تصنعی به انسانی کامل آزاد سازد این روند / آموزش منفی / نهاد.

تعلیم تربیت منفی: نوعی انتظار برای یاد گیری و دخالت نکردن می داند . تعلیم تربیت از راه ورزیدن حواس ما را برای تعقل آماده کند . تعلیم تربیت از معایب پیشگیری می کند و او را از اشتباه حفظ می کند . تعلیم تربیت منفی صرفه جویی در وقت نمی داند بلکه از دست دادن و ضایع کردن آن در دوران کودکی می داند .

زمان مناسب برای یادگیری:

روسومتعقد است که در هر سن از کودک اعمال و حرکاتی سر می زند که برای آن سن عادی و طبیعی است و آموزش پرورش باید همان حرکات را دنبال و از آن ها استفاده کند. برای یادگیری مطلب ساعت زمان وجود دارد سن معینی برای تحصیل علوم گرچه زمان خاصی برای یادگیری قائل است که مقدمات یادگیری را باید از قبل آن آماده نمود.

تنبيه بدنى:

انسان هرگز در تربيت خردسالان نياز به تنبيه مجازات ندارد زيرا براى هر عملى مجازات و تنبيه طبيعى وجود دارد كودكى كه سيب فاسد ميخورد دچار دل درد تهوع مى شود. طفلى كه به آتش نزديك مى شود آسيب مى بيند در واقع كودك نتيجه عمل كرد خود را به طور طبيعى دريافت ميكند براى هر عمل و رفتار غيرمطلوبى تنبيه و مجازات طبيعى متناسب با آن وجود دارد بنا بر اين طبيعت عهده دار تنبيه و مجازات اعمال نامطلوب كودك است.

نظریه آزادی تنظیم شده:

آزادی در واقع نوعی آزاد گذاری کودک را القا می کند این آزادی نوعی از قبل سازمان می یابد به وسیله مربی است از نظر روسو یعنی اطاعت از قانونی که شخص از روی عقل خویشتن رابه رعایت آن ملزم می دانداین آزادی از بدو تولدبه نوعی برای کودک موجود است وباید ان را تنظیم کرد.مثال:در کودکی حذف قنناق.پوشاندن لباس گشاد که نوعی آزادی بدنی است ودر سنین بالا مانند آزادی هیچ نوع آموزش شفاهی به کودکان ندهید بلکه از طریق تجربه به ان دست یابند آزادی از دیدگاه او تبعیت کامل از قانون مدینه ایدئال است. آزادبودن به معنای حفظ آزادی و پیروی از نظم است .

تعلیم و تربیت اخلاقی:

بهترین تربیت آن است که شخص را عاقل بار بیاورد. کودکان در سنین اولیه زبان استدلال را در نمی یابند اگر از اول طفولیت با کودک با زبانی صحبت کنیم که قدرت درک آن را نداشته باشد کلمات را بیهوده مورد استفاده قرار داده ایم. کودکان به عقل خود نمی سنجند و طالب جر بحث و سرکش بار می آیند آغاز آموزش مفاهیم اخلاقی و شکوفایی را در کودک سن ۱۵ سالگی و نوجوانی میداند

نقش مربی:

در مراحل انتخاب حرفه .شناخت مردم.مسافرت.شناخت محیط.ازدواج وجود مربی الزامی است.نقش مربی راهنما و هدایت کننده است.مربی اطفال باید جوان باشد زیرا بین بزرگسال و کودکان اشتراک عقیدتی وجود ندارد و به شرط دارا بودن عقل و درایت.مربی باید کاری کند کودک به کشف امور پردازد روسو می گوید این فن را باید مربی بنامیم نه آموزگار روسو معلم را از به کار بستن هر نوع روش تدریس باز می دارند و می کوشند تا به هیچ طریقی در کودک اثری تحمیلی نگذارند.

یوهان هاینریش پستالوزی :

در ۱۲ ژانویه ۱۷۴۶ در شهر نهف در زوریخ به دنیا آمد
و ۱۷ فوریه ۱۸۲۷ (۸۱ سالگی) از دنیا رفت.
پستالوزی آغازگر نهضت کودکان بود
که مربیان بزرگی مثل فروبل دنباله رو عقاید او شد
پستالوزی در ۵ سالگی پدرش را از دست داد و با مادرش تنها ماند و در نوجوانی براس
امرار معاش کشاورزی پیشه کرد و هم زمان با آن به تعلیم کودکان کشاورز فقیری که
در نزدیک وی زندگی میکردند همت گماشت.
مقالاتی مثل {غروب زندگی یک زاهد} در خصوص اصلاحات اجتماعی و تعلیم تربیت
است. نوشته های دیگر او در اروپای غربی شهرت یافت
در سال ۱۷۸۱ کتابی با عنوان > لئونارد و گرتروید < نوشت که در مورد مسائل و نکات
تربیتی است و ابتدا یک محیط خانوادگی و محیط اجتماعی در سایه محبت و
صداقت زنی روستایی شکل می گیرد.
در سال ۱۸۰۱ کتابی به عنوان چگونه گرتروید به فرزندان خود آموزش میدهد نوشت و
توانست روش تربیتی خود را تشریح کند .
مدرسه ای واقع در قصر ایوردون در کنار دریاچه نوشاتل به کار اشتغال داشت .
تا زمان مرگش در سال ۱۸۲۷ به نوشتن عقاید و نظریات خود ادامه داد .



{بررسی آراء و عقاید پستالوژی}

آموزش طبقات تنگدست. فقرا. ستمدیدگان:

سراسر زندگی پستالوژی توجه به ضعف
روستائیان فقیر و کشاورزان سوئیدی بود
کودکان فقیر و تنگدست. بی سرپرست که
قربانی جنگ ها بودند در مدرسه او
پذیرفته می شدند و پستالوژی ضمن
مراقبت آموزش میداد به نظر او تنها راه
نجات رستگاری از بلایای اجتماعی باید در
تعلیم تربیت جستجو کرد.

جلب اعتماد و محبت:

پستالوزی جلب اعتماد کودکان را لازم می دانست

که اگر در این کار موفق شویم بقیه کارها به راحتی صورت میگیرد اولین کار جلب اعتماد و محبت آنان است و برای این کار از تمیز کردن لباس تا بدن هایشان که کثیف الوده بود پرهیزی نداشتم.

اولین هدف این بود که کودکان را با عاطفه عادل مهربان و

پذیرا تربیت کنم اعتمادرا به ویژه در کودکان دشوار مصیبت زده برآوردن نیازهای فیزیکی و امنیت روانی آنها میدانست.

اهمیت کانون خانواده آموزش والدین:

به نظر او تعلیم والدین به منظور تواما ساختن آنان برای تربیت اطفال ضرورت مطلق دارد پستالوزی برآموزش های خانوادگی تاکید داشت روحیه کار و انضباط در مدارس براساس روحیه و روش کار در خانواده استوار شود. استفاده از کودکان بزرگتر در محیط کلاس انعکاسی از وضعیت نقش خانه و والدین به ویژه مادر در محیط آموزشی دارد. آخرین مدرسه اش در ایوردون را به صورت مرکزی برای تعلیم تربیت معلمان و والدین درآورد.

روش مشاهده در یادگیری:

پستالوزی عقیده داشت کسب دانش بر پایه مشاهده و ادراک حسی استوار است. تعلیم باید با تجربه و مطالعه محیط اطراف با آغاز و با زبان مربوط شود. مشاهده به شناخت و آگاهی بیشتر سبب مهارت های کلاسی قدرت سخن گویی و تحصیلی بهتری می گردد. طریق تدریس بر پایه ادراک و شناخت استوار بود تا حافظه تمرین شفاهی این شیوه تدریس در کتاب پستالوزی به نام چگونه گرترود به فرزندان خود آموزش میدهد.

**استفاده از وسایل و اشیا ملموس
برای یادگیری و توأم کردن علم عمل:**

**برای یادگیری آموزش کودکان باید از
وسایل ملموس و اشیا محیط پیرامون
استفاده کرد زیرا آموزش باید با واقعیات
زندگی تطابق داشته باشد. ارتباط دادن
مطالعه با کارهای دستی و علمی مدرسه با
کارگاه و یکی کردن آن هاست. بستالوزی به
خودکاری و خودیادگیری کودکان اهمیت
داده و راهی برای رشد آزادانه توانایی و
استعداد مختلف فرد دانسته است.**

روش های انضباطی:

پستالوزی درمورد تنبیه بدنی به عنوان یکی از راه های برقرار انضباط میدانست. که می گوید با پند اندرز از طریق کلمات قلب ها و افکار کودکان را تسخیر نمائیم و از تنبیه بدنی استفاده نکنیم. از تنبیه بدنی کودکان حتی به کمترین مقدار از اعتمادان ها نسبت به خودم می گاهم . بلکه تاثیر و اعمال هر روز و هر ساعت است که آن ها را می سازد .



از توجه شما



سپاس گزارم

سال  نو مبارک

خضریان

